

## Predicting Students' Domain Specific Hope within the Framework of their Attachment Styles

Ahmad Valikhani. M.A.

Master Student in Clinical Psychology, Shiraz University, Iran

Mohsen Salary Salajeghe. M.A.

Master Student of Clinical Psychology, College of Farabi, Iran

Farhad khormae. Ph.D.

Assistant Professor of Education Psychology, Shiraz University, Iran

### Abstract

The purpose of current study was to predict specific domains of hope based on attachment styles. The research design was correlational. The population consisted of all newcomers to Bu-Ali University of Hamedan in 2011-12. From among them, 250 were selected by multistage random sampling. Then, they attended the research instruments namely, Hazan and Shaver Adult Attachment Styles Questionnaire (1987) and Simpson Adult Domain-Specific Hope Scale (1999). The data was analyzed by structural equation modeling. Results showed that secure attachment style positively and significantly predicted each of five specific domains of hope (i.e. social relationship, academic, family life, occupation, and leisure time); but avoidant attachment style did not have any significant relationship with them. Furthermore, ambivalent attachment style could just predict family life of domain specific hope negatively and significantly. These results show that hope increase in individuals should be considered by their attachment styles since it needs to be taken place within certain specific domains of hope in order to avoid any further problems and to facilitate the efficacy of hope-inducing properties.

**Key words:** attachment styles, domain-specific hope, university students.

## پیش‌بینی حوزه‌های خاص امیدواری دانشجویان در چارچوب سبک‌های دلبستگی آنان

احمد ولیخانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز، ایران

محسن سالاری سلاجقه

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، پردیس فارابی دانشگاه

تهران، ایران

فرهاد خرمائی\*

عضو هیأت علمی بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، ایران

### چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی حوزه‌های خاص امیدواری دانشجویان بر اساس سبک دلبستگی آنان است. طرح مطالعه از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش همه دانش‌آموزان ورودی جدید دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ بودند. نمونه شامل ۲۵۰ دانشجوی تازه وارد بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (هازن و شایور، ۱۹۸۷) و مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص بزرگسالان (سیمپسون، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادله ساختاری تحلیل شد. نتایج نشان داد که دلبستگی ایمن هر پنج حوزه خاص امیدواری روابط اجتماعی ( $\beta=0/83, P<0/01$ )، تحصیلات ( $\beta=0/79, P<0/01$ )، زندگی خانوادگی ( $\beta=0/40, P<0/01$ )، شغل ( $\beta=0/51, P<0/01$ ) و اوقات فراغت ( $\beta=0/62, P<0/01$ ) را به‌طور معنادار و مثبت پیش‌بینی کرد، اما دلبستگی اجتنابی هیچ‌یک از حوزه‌های امیدواری را به‌طور معنادار پیش‌بینی نمی‌کند. دلبستگی دوسوگرا نیز فقط حوزه امید در زندگی خانوادگی را به‌طور معنادار و منفی پیش‌بینی می‌کند ( $\beta=-0/25, P<0/05$ ). بر طبق نتایج به‌دست آمده از پژوهش می‌توان ادعا کرد که در افزایش امیدواری به افراد به‌ویژه افرادی که برای روان‌درمانی مراجع می‌کنند، باید به نوع دلبستگی آنان توجه شود. چرا که افزایش امید در این افراد باید در حوزه‌های مشخصی از جنبه‌های مختلف زندگی صورت گیرد تا مسأله یا مشکلی را ایجاد نکند و همچنین بر تأثیر درمانی امید بیفزاید.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های دلبستگی، حوزه‌های خاص امیدواری، دانشجویان.

\* نویسنده مسؤول: khormae\_78@yahoo.com

مقدمه

با این حال، لزوم بررسی و کشف متغیرهایی که در رابطه با نوع دلبستگی افراد مداخله می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از سازه‌های روان‌شناختی جدید که برگرفته از روان‌شناسی مثبت است و در متون روان‌شناسی بر اساس کارهای اشنایدر مطرح شده است، امید یا امیدواری است (اشنایدر و لوپز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۲). با آنکه پژوهش‌ها رابطه بین سبک‌های دلبستگی و امیدواری را نشان داده‌اند (ولچ و هوسر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰)، اما تاکنون پژوهشی در رابطه با نوع دلبستگی افراد و حوزه‌ها یا قلمروهایی که امیدواری آنان وابسته به آن است، انجام نشده است.

دلبستگی پیوند عاطفی پایداری تعریف شده است که با گرایش به جست‌وجو و حفظ نزدیکی با یک شکل خاص، به ویژه در مواقع فشار روانی، مشخص می‌شود (بالبی، ۱۹۶۹). اینزورث، بلهار، واترز و وال<sup>۱۳</sup> (۱۹۷۸) در آزمایشگاه خود بر طبق نظریه دلبستگی در موقعیتی به نام موقعیت غریب<sup>۱۴</sup> که خود طراحی کرده بودند، رفتار کودکان را مشاهده کردند و سه الگو یا سبک دلبستگی را مشخص کردند: ایمن<sup>۱۵</sup>، اجتنابی<sup>۱۶</sup> و دوسوگرا<sup>۱۷</sup>. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند، اضطراب و افسردگی کمتری را در مقایسه با اشخاص دلبسته ناایمن تجربه می‌کنند (حدادی کوهسار و غباری‌بناب، ۲۰۱۱؛ موریس، میسترز، ملیک و زوآمبگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ هیستر، نوردسترم و اسونسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ یلماز اوزپولات، آياز، کوناگو اوزکان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ فاگاندرز، جارمکا، مالارکی و کیکولت - گلاسر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴؛ اسمیت، بلانک، بلیزی و پارک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲؛ مک ویلیامز و بیل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین، می‌توان ادعا کرد که نوع دلبستگی افراد احتمالاً بسیاری از جنبه‌های مختلف زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که نوع دلبستگی افراد از تعاملات اولیه بین والدین و کودک در دوران خردسالی شکل می‌گیرد و در سلامت روحی و روانی آینده او اهمیت حیاتی دارد (بالبی<sup>۱</sup>، ۱۳۵۹) و همچنین حتی آمایه‌های بیولوژیکی را نیز در بر دارد، تغییر و یا حتی بهبود آن در دوران بزرگسالی به‌طور مستقیم تقریباً امری غیر ممکن به نظر می‌رسد.

اگر افراد جوان یاد بگیرند که بیشتر امیدوار باشند، به احتمال زیاد تعهد و اهداف معین و مشخصی را در زندگی خواهند داشت و به‌طور مؤثری به سمت دستیابی به آن اهداف تلاش خواهند کرد. به‌منظور تسهیل در رشد مداخلات برای القای امید<sup>۱</sup> در افراد جوان باید به فهم روشنی از اینکه امیدواری تحت تأثیر چه متغیرهایی قرار دارد، توجه کنیم (شوری، اشنایدر، یانگ و لوین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). یکی از سازه‌های روان‌شناختی که تحت تأثیر نوع رابطه اوایل دوران کودکی افراد با مراقب اصلی آنان قرار دارد و در بزرگسالی به نوعی همان نوع رابطه با یأس‌ها و امیدهایش در رابطه با دیگران تکرار می‌شود، نوع دلبستگی<sup>۳</sup> افراد است.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که اضطراب، افسردگی، سازگاری و عملکرد روان‌شناختی، پریشانی روان‌شناختی، مشکلات در روابط اجتماعی، کیفیت زندگی، ظرفیت خودتنظیمی، راهبردهای مقابله‌ای، بیماری‌های جسمی همچون بیماری‌های قلبی - عروقی و فشار خون و حتی دینداری همه متأثر از سبک‌های دلبستگی هستند (حدادی کوهسار و غباری‌بناب، ۲۰۱۱؛ موریس، میسترز، ملیک و زوآمبگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ هیستر، نوردسترم و اسونسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ یلماز اوزپولات، آياز، کوناگو اوزکان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ فاگاندرز، جارمکا، مالارکی و کیکولت - گلاسر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴؛ اسمیت، بلانک، بلیزی و پارک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲؛ مک ویلیامز و بیل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین، می‌توان ادعا کرد که نوع دلبستگی افراد احتمالاً بسیاری از جنبه‌های مختلف زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که نوع دلبستگی افراد از تعاملات اولیه بین والدین و کودک در دوران خردسالی شکل می‌گیرد و در سلامت روحی و روانی آینده او اهمیت حیاتی دارد (بالبی<sup>۱</sup>، ۱۳۵۹) و همچنین حتی آمایه‌های بیولوژیکی را نیز در بر دارد، تغییر و یا حتی بهبود آن در دوران بزرگسالی به‌طور مستقیم تقریباً امری غیر ممکن به نظر می‌رسد.

در متون جدید روان‌شناسی امید، توانایی درک مسیرهایی که به اهداف مطلوب منتج شده و برانگیختن خود از طریق تفکر عامل برای به‌کار بردن این مسیرها تعریف می‌شود

1. hope
3. attachment
5. Hiester, Nordstrom & Swenson
7. Fagundes, Jaremka, Malarkey & Kiecolt-Glaser
9. McWilliams & Bailey
11. Snyder & Lopez
13. Ainsworth, Blehar, Waters & Wall
15. secure
17. ambivalent
19. Gauthier et al

2. Shorey, Snyder, Yang & Lewin
4. Muris, Meesters, Melick & Zwambag
6. Yilmaz Özpolat, Ayaz, Konag & Özkan
8. Schmidt, Blank, Bellizzi & Park
10. Bowlby
12. Welch & Houser
14. strange situation
16. avoidant
18. Mikulincer, Florian & Tolmacz

مرور پیشینه پژوهش در زمینه امیدواری و سبک‌های دل‌بستگی، وجود رابطه معنادار مثبت بین امیدواری و سبک دل‌بستگی ایمن و همچنین رابطه معنادار منفی را بین امیدواری و دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا نشان می‌دهد، اما تاکنون مطالعه‌ای در رابطه با انواع مختلف سبک‌های دل‌بستگی و حوزه‌های خاص امیدواری را بررسی نکرده است. بنابراین، هدف پژوهش تعیین رابطه سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با حوزه‌های خاص امیدواری است و فرضیه‌های پژوهش از این قرار است:

- ۱- سبک دل‌بستگی ایمن حوزه‌های خاص امیدواری را به‌طور مثبت معنادار پیش‌بینی می‌کند.
- ۲- سبک دل‌بستگی اجتنابی حوزه‌های خاص امیدواری را به‌طور منفی معنادار پیش‌بینی می‌کند.
- ۳- سبک دل‌بستگی دوسوگرا حوزه‌های خاص امیدواری را به‌طور منفی معنادار پیش‌بینی می‌کند.

## روش

**روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه:** طرح پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش همه دانشجویان ورودی جدید دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بودند. نمونه مورد پژوهش ۲۵۰ نفر (۱۶۳ دختر، ۸۷ پسر) از دانشجویان ورودی جدید دانشگاه بوعلی سینا همدان با میانگین سنی ۱۹/۶۷ (SD=۳/۱۳) بودند که از این بین ۱۴۵ نفر ساکن استان همدان و ۸۹ نفر ساکن استان‌های دیگر کشور هستند؛ از این تعداد ۱۶ نفر استان محل زندگی خود را مشخص نکرده بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد.

## ابزار سنجش

**مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص بزرگسالان<sup>۱۳</sup>:** مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص سیمپسون<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۹) بر پایه کارهای اشنايدر در زمینه امیدواری ساخته شده است؛ با این تفاوت که این مقیاس به‌طور اختصاصی تر شش حوزه زندگی (اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی، روابط عاشقانه، اشتغال و

(اشنايدر، ۲۰۰۲). بر طبق نظریه امید، ادراکات افراد با توجه به استعدادشان برای روشن کردن اهداف، توسعه راهبردهای خاص برای رسیدن به این اهداف (تفکر گذرگاهی<sup>۱</sup>) و آغاز و حفظ انگیزش برای به کار بستن این راهبردها (تفکر عامل<sup>۲</sup>)، منعکس کننده امید است. مؤلفه‌های گذرگاهی و عامل هر دو ضروری هستند، اما هیچ یک از این دو به تنهایی برای نگهداری و پیگیری موفقیت آمیز اهداف کافی نیستند. افکار گذرگاهی و عامل جمع‌پذیر، مشترک و به‌طور مثبت به هم مرتبط هستند، اما مترادف نیستند (اشنايدر، لویز، شوری، راند و فلدمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). پژوهش‌هایی که در رابطه با امیدواری صورت گرفته است، نشان‌دهنده این هستند که امید سلامت روان‌شناختی، سازگاری بهتر، افسردگی کمتر و رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند (گیگر و ون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ ونگ و لیم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ شیاروچی، هیون و دیویس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ واله، هوبنر و سالدو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶؛ ون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲). به‌علاوه، امیدواری با سلامت جسمی و روان‌شناختی و موفقیت‌های ورزشی و تحصیلی مرتبط است (اشنايدر، ۲۰۰۲؛ اشنايدر، فلدمن، شوری و راند، ۲۰۰۲).

پژوهش‌هایی که در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و امیدواری انجام شده است، نشان می‌دهند که بین سبک‌های دل‌بستگی و امیدواری رابطه معنادار وجود دارد؛ بدین صورت که افراد با سبک دل‌بستگی ایمن به‌طور معناداری امید بیشتری را نسبت به افراد با سبک دل‌بستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا از خود آشکار می‌کنند (ولچ و هوسر، ۲۰۱۰؛ ایون‌جین، سی‌یانگ و کیونگ‌می<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳). همچنین، شوری، اشنايدر، یانگ و لوین<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی ایمن با امید رابطه معنادار مثبت و دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا با امید رابطه منفی دارند. در پژوهشی که در بین افراد مبتلا به اسکیزوفرنی صورت گرفته است، نتایج نشان داد که دل‌بستگی اجتنابی با سطوح بالایی از ناامیدی مرتبط است. این در حالی است که دل‌بستگی مضطرب یا دوسوگرا با عزت نفس پایین رابطه دارد (رینگر، باچانان، اولسیک و لیساکر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴). همچنین، پژوهشگران دیگر نشان دادند که دل‌بستگی ایمن با امیدواری و اعتماد رابطه معنادار و مثبت دارد. این نتایج نشان می‌دهد که دل‌بستگی ایمن با نیرومندی روان‌شناختی مثبت در نظر گرفته می‌شود (سیمون، گوتی، نیلسون و لیتل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹).

1. pathway thought

3. Shorey, Rand &amp; Feldman

5. Wong &amp; Lim

7. Valle, Huebner &amp; Suldo

9. Eun Jin, Se Young &amp; Kyung

11. Ringer, Buchanan, Olesek &amp; Lysaker

13. Adult Domain-Specific Hope Scale

2. . agency thought

4. Geiger &amp; Kwon

6. Ciarrochi, Heaven &amp; Davies

8. Kwon

10. Yang &amp; Lewin

12. Simmons, Gooty, Nelson &amp; Little

14. Sympson

سپس از هر دانشکده به‌طور تصادفی دو کلاس برگزیده شد. سپس دو مقیاس امیدواری و دلبستگی بزرگسالان، همزمان و به ترتیب گفته شده و به‌صورت گروهی در اختیار دانشجویان قرار داده شد. همچنین، پیش از اجرای پژوهش در رابطه با نحوهٔ پرکردن پرسشنامه‌ها به دانشجویان توضیحات کاملی داده شد. پس از آن، وقت کافی به آنان داده شد تا بتوانند در نهایت آرامش و دقت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

### تحلیل داده‌ها

در پژوهش ابتدا به‌منظور بررسی روابط بین سبک‌های دلبستگی و حوزه‌های خاص امیدواری از همبستگی صفر مرتبه با کاربرد SPSS<sup>16</sup> استفاده شد. سپس، مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل ۸/۵۰ با روش برآورد بیشینه احتمال برای بررسی رابطهٔ بین متغیرهای مکنون سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا و پنج حوزهٔ خاص امیدواری به کار برده شد. برای این کار ابتدا برای هر مقیاس تحلیل عامل اکتشافی صورت گرفت که ضمن تأیید تعداد عامل‌های موجود در پرسشنامه‌ها، سه نشانگر برای هر مقیاس که بار عاملی بالایی در مقیاس خود و بار عاملی پایینی در مقیاس‌های دیگر داشتند، انتخاب شد (نگاه کنید به هومن، ۱۳۹۰: ۲۹) تا برای بررسی مدل معادلات ساختاری بین متغیرها از آنها استفاده شود، اما پیش از این کار نتایج تحلیل عامل تأییدی برای دو مدل ارائه شده (سه نشانگر یا متغیر مشاهده شده برای هر مقیاس یا متغیر مکنون) نشان داد که مدل‌ها با داده‌ها برای هر دو پرسشنامهٔ سبک‌های دلبستگی و حوزه‌های خاص امیدواری برازش خوبی دارند.

### یافته‌ها

برای بررسی پیش‌بینی متغیرهای مکنون پنج حوزهٔ خاص امیدواری (روابط اجتماعی، تحصیلات، زندگی خانوادگی، شغل و اوقات فراغت) براساس متغیرهای مکنون سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در جدول ۱ ضرایب بتا و سطح معناداری مسیرهای مدل گزارش شده است.

فعالیت‌های اوقات فراغت) را مورد سنجش قرار می‌دهد. از آزمودنی خواسته می‌شود اهمیت و میزان رضایت خود را در این شش حوزهٔ زندگی روی یک مقیاس هشت درجه‌ای (کاملاً اشتباه ۱ تا کاملاً درست ۸) اعلام کند. نمرات جداگانهٔ هر حوزه با جمع کردن نمرهٔ هشت گویه داخل هر حوزه به دست می‌آید (بین ۸ تا ۶۴ نمره) و نمرهٔ کلی مقیاس امیدواری نمره‌ای است بین ۴۸ تا ۳۸۴ که با جمع نمرات ۴۸ گویه به دست می‌آید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی در نمونهٔ ایرانی با حذف حوزهٔ عاشقانه (به علت محدودیت‌های اجرایی و فرهنگی) وجود پنج حوزهٔ سیمپسون را تأیید کرد. اعتباریابی این پرسشنامه را در ایران احمدی طهورسلطانی، کرمی‌نیا، احدی و مرادی (۱۳۸۹) در بین ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان با دامنهٔ سنی ۱۸ تا ۳۴ سال انجام دادند که آلفای کرونباخ کل مقیاس با حذف یکی از حوزه‌ها (روابط عاشقانه) ۰/۹۵ و برای سایر حوزه‌ها در دامنه‌ای از ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین، ضرایب دو نیمه کردن ۰/۸۵، اعتبار همگرا با مقیاس‌های سرسختی ۰/۴۰، شادکامی ۰/۶۴ و بهزیستی روان‌شناختی ۰/۴۷، اعتبار و اگر با مقیاس ناامیدی بک ۰/۲۵- و اعتبار ملاکی با مقیاس امیدواری اشنایدر ۰/۵۵ بود. در این پژوهش، همانند مطالعات صورت گرفته و به دلیل محدودیت اجرای حوزهٔ عاشقانه در ایران از پنج حوزهٔ امیدواری استفاده شد. در این پژوهش آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه ۰/۹۳ و حوزه‌های اجتماعی ۰/۸۴، تحصیلی ۰/۸۵، خانوادگی ۰/۷۴، اشتغال ۰/۸۶ و اوقات فراغت ۰/۹۱ به دست آمد.

**پرسشنامهٔ سبک‌های دلبستگی<sup>۱</sup> (AAI):** برای سنجش دلبستگی دانشجویان از مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) استفاده شد. این ابزار شامل ۲۱ گویه است که سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) را در یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی کم ۱؛ کم ۲؛ متوسط ۳؛ زیاد ۴؛ و خیلی زیاد ۵) می‌سنجد. خوانین‌زاده (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۶۴ و ضریب بازآزمایی آن را ۰/۷۰ گزارش کرده است. در پژوهش آلفای کرونباخ مقیاس سبک دلبستگی ایمن ۰/۵۲، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۵۲ و سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۶۹ به دست آمد.

### روش اجرا

روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که ابتدا چهار دانشکده از مجموع دانشکده‌های دانشگاه بوعلی سینا همدان انتخاب و

جدول ۱- ضرایب بتا و معناداری مسیرهای مدل

مسیرها	ضرایب بتا	سطح معناداری
دلبستگی ایمن به روابط اجتماعی	۰/۸۳	۰/۰۱
دلبستگی ایمن به تحصیلات	۰/۷۹	۰/۰۱
دلبستگی ایمن به زندگی خانوادگی	۰/۴۰	۰/۰۱
دلبستگی ایمن به شغل	۰/۵۱	۰/۰۱
دلبستگی ایمن به اوقات فراغت	۰/۶۲	۰/۰۱
دلبستگی اجتنابی به روابط اجتماعی	۰/۰۴	ns
دلبستگی اجتنابی به تحصیلات	۰/۱۰	ns
دلبستگی اجتنابی به زندگی خانوادگی	-۰/۰۰	ns
دلبستگی اجتنابی به شغل	-۰/۱۰	ns
دلبستگی اجتنابی به اوقات فراغت	۰/۰۱	ns
دلبستگی دوسوگرا به روابط اجتماعی	۰/۱۴	ns
دلبستگی دوسوگرا به تحصیلات	۰/۰۶	ns
دلبستگی دوسوگرا به زندگی خانوادگی	-۰/۲۵	۰/۰۵
دلبستگی دوسوگرا به شغل	-۰/۰۳	ns
دلبستگی دوسوگرا به اوقات فراغت	۰/۰۲	ns

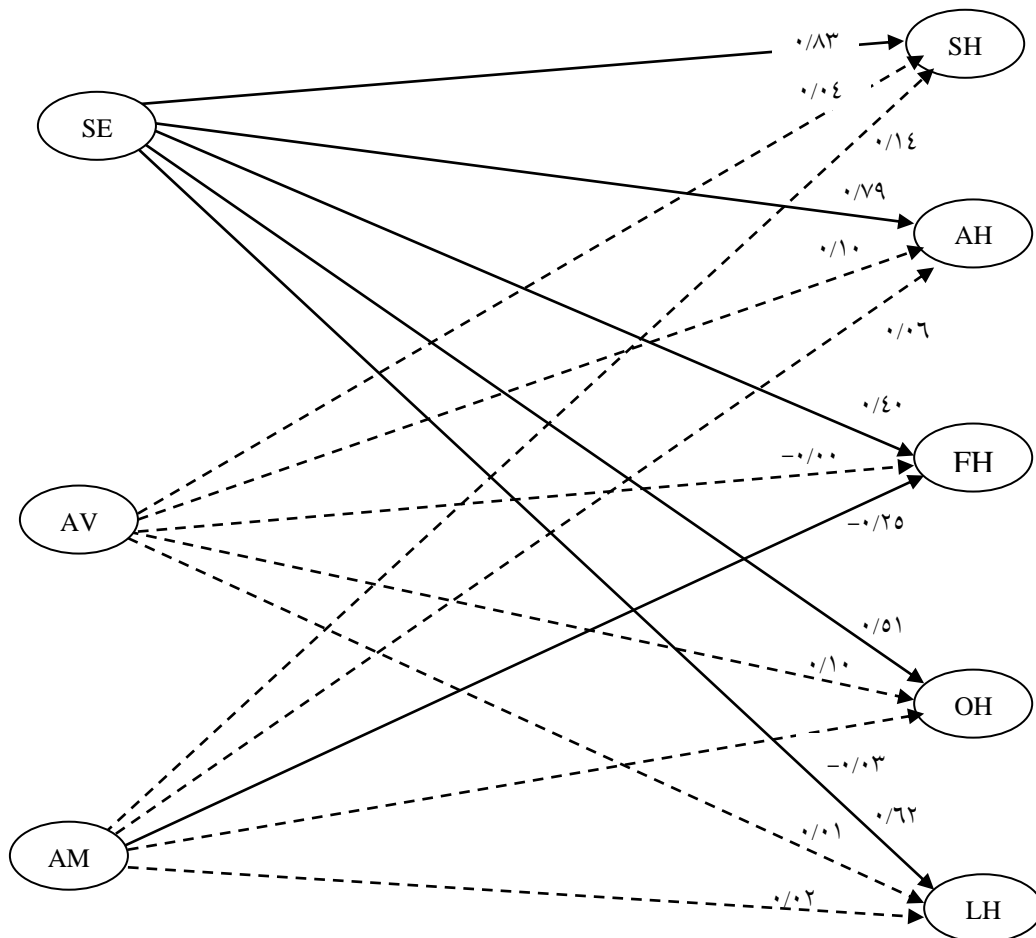
ns= غیرمعنادار در سطح ۰/۵۰

پژوهش تأیید نشد. سبک دلبستگی دوسوگرا همانند همبستگی صفر مرتبه در مدل ساختاری نیز فقط با زندگی خانوادگی رابطه منفی معنادار ( $\beta = -0.05$ ,  $t = -2.75$ ,  $P < 0.05$ ) داشت. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تا حدی مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۲). شاخص‌های برازندگی مدل نشان دادند که داده‌ها با مدل ارائه شده برازش خوبی دارد (جدول ۲).  
بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اول پژوهش به طور کامل تأیید شد. با وجود این، فرضیه دوم تحقیق کاملاً تأیید نشد و در نهایت فرضیه سوم مطالعه تا حدی مورد تأیید قرار گرفت.

همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، سبک دلبستگی ایمن هر پنج حوزه خاص امیدواری را به طور مثبت معنادار پیش‌بینی کرد. دلبستگی ایمن به ترتیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی روابط اجتماعی ( $\beta = 0.83$ ,  $t = 5.30$ ,  $P < 0.01$ )، تحصیلات ( $\beta = 0.79$ ,  $t = 4.99$ ,  $P < 0.01$ )، اوقات فراغت ( $\beta = 0.62$ ,  $t = 5.26$ ,  $P < 0.01$ )، شغل ( $\beta = 0.51$ ,  $t = 4.74$ ,  $P < 0.01$ )، و در آخر زندگی خانوادگی ( $\beta = 0.40$ ,  $t = 4.27$ ,  $P < 0.01$ ) داشت. بنابراین فرضیه اول کاملاً تأیید شد. بر خلاف دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی با هیچ یک از پنج حوزه خاص امیدواری رابطه معنادار نشان نداد. از این رو، فرضیه دوم

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	$\chi^2$	df	p-value	df/ $\chi^2$	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI
مدل	۴۷۴/۸۰	۲۳۴	۰/۰۰۰۱	۲/۰۲	۰/۰۶	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۹۳



نمودار ۱- کاربرد مدل‌یابی معادلات ساختاری برای پیش‌بینی حوزه‌های خاص امیدواری بر اساس سبک‌های دلبستگی. توجه: برای مدل ساختاری ضرایب غیرمعنادار با مسیرهای منقطع (→) و ضرایب معنادار با مسیرهای غیرمنقطع (→) نشان داده شده‌اند. برای مدل اندازه‌گیری متغیرهای مکنون برون‌زا و درون‌زا متغیر نشانگر ابتدایی هر یک از آنها برابر با یک در نظر گرفته شد. SE: دلبستگی ایمن؛ AV: دلبستگی اجتنابی؛ AM: دلبستگی دوسوگرا؛ SH: روابط اجتماعی؛ AH: تحصیلات؛ FH: زندگی خانوادگی؛ OH: شغل؛ LH: اوقات فراغت.

### بحث و نتیجه‌گیری

حدادی کوهسار و غباری بناب، ۲۰۱۱؛ اسمیت، بلانک، بلیزی و پارک، ۲۰۱۲) تأثیر مثبت می‌گذارد، نتیجه به‌دست آمده دور از انتظار نبود. همچنین، این یافته از گزاره‌های نظری که دلبستگی ایمن به یک فرد پاسخگو و حمایت‌کننده، رشد تفکر مبتنی بر اهداف امیدبخش را تسهیل می‌کند و متعاقباً در سلامت روانی نیز سهیم است، حمایت می‌کند (شوری، اشنایدر، یانگ و لوین، ۲۰۰۳). در نتیجه می‌توان گفت در دوران کودکی افراد دلبسته ایمن که بازنمایی مثبت از مراقبان خود را درونی ساخته‌اند، در دوران بزرگسالی خود را ارزشمند دیده و به آینده در حوزه‌های مختلف زندگی امیدوارترند.

هدف از پژوهش پیش‌بینی حوزه‌های خاص امیدواری بر اساس سبک‌های دلبستگی است. نتایج پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان داد که دلبستگی ایمن هر پنج حوزه خاص امیدواری (روابط اجتماعی، تحصیلات، زندگی خانوادگی، شغل و اوقات فراغت) را به‌طور معنادار و مثبت پیش‌بینی می‌کند. این یافته با بسیاری از نتایج پژوهش‌های پیشین هماهنگی دارد که نشان می‌دهد دلبستگی ایمن با امیدواری رابطه مثبتی دارد (برای مثال، سیمون، گوتی، نیلسون و لیتل، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه سبک دلبستگی ایمن بر بسیاری از جنبه‌های مختلف روان‌شناختی و جسمانی (برای مثال،

به این نکته نیز توجه کنند که افزایش امید در مراجعان بدون توجه به خصوصیات پایدار آنها از قبیل سبک‌های دلبستگی ممکن است نتایج منفی به دست دهد. همچنین، توجه نکردن به سبک‌های دلبستگی افراد شاید موجب آن گردد که القای امید به مراجعان تأثیر کمی بگذارد یا تلاش و وقت مستمری را از درمانگر طلب کند. روان‌درمانگران می‌توانند راه‌حل پیامدهای منفی پیش‌گفته را با توجه به سبک‌های دلبستگی افراد و تصمیم راجع به اینکه در چه حوزه‌ای از زندگی، مراجعان را باید امیدوارتر سازند، بیابند. با توجه به نتایج پژوهش، مشاوران می‌توانند امید را در افرادی با سبک دلبستگی دوسوگرا بیشتر در حوزه زندگی خانوادگی آنان القا کنند. به نظر می‌رسد که در افراد دلبسته ایمن افزایش امید به‌طور کلی مفید و سودمند باشد و بسته به حوزه مشخصی نباشد، چرا که نتایج این پژوهش نشان داد هر پنج حوزه خاص امیدواری براساس سبک دلبستگی ایمن به‌طور مثبت معنادار پیش‌بینی شدند؛ ولی حوزه‌هایی که دلبستگی ایمن بیشترین تأثیر را بر آنها داشت حوزه روابط اجتماعی و تحصیلات بود که تأکید بر آنها القا و تأثیر مثبت امیدواری را تسریع می‌کند. با وجود این، دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد افراد از قبیل شخصیت آنان نیز در القای امیدواری باید مد نظر مشاوران و روان‌درمانگران قرار داشته باشد. همچنین پژوهش‌های آتی به‌منظور غنی‌تر کردن متون پژوهشی در این حوزه و نیز کاربرد آن در حوزه مشاوره و روان‌درمانی متغیرهای واسطه‌گر و تعدیل‌کننده که بر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و حوزه‌های خاص امیدواری تأثیر گذارند را شناسایی خواهد کرد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز بود که نتایج آن باید در چارچوب این محدودیت‌ها مورد تفسیر قرار گیرد. از جمله محدودیت‌های پژوهش تکیه بر داده‌های خود گزارش‌دهی بود. همچنین، افراد شرکت‌کننده را جمعی از دانشجویان ورودی جدید به دانشگاه تشکیل می‌دادند. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر جمعیت‌ها از جمله مراجعان به مراکز مشاوره و درمانگاهها باید با احتیاط صورت پذیرد. به علاوه، از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش این بود که آلفای کرونباخ دو زیرمقیاس دلبستگی ایمن و اجتنابی پایین (۰/۵۲) بوده است.

### سپاسگزاری

از تمامی دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش که با صبر و حوصله و دقت فراوان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند، کمال تشکر و سپاس را داریم.

از دیگر نتایج به‌دست آمده از پژوهش این بود که دلبستگی دوسوگرا از بین پنج حوزه خاص امیدواری فقط حوزه امیدواری زندگی خانوادگی را به‌طور معنادار (منفی) پیش‌بینی می‌کند. این بدان معنی است که با افزایش در سبک دلبستگی افراد دوسوگرا، امید آنان در حوزه زندگی خانوادگی به یأس تبدیل می‌شود. افراد دلبسته دوسوگرا که با نزدیکی و در عین حال دوری از مراقب اصلی خود و تعارض و کشمکش بین این دو وضعیت مشخص می‌شوند (با توجه به این مسأله رابطه این نوع دلبستگی با حوزه زندگی خانوادگی در مقابل حوزه‌های دیگر امیدواری چندان دور از انتظار نبود)، با افزایش اضطراب و دوسوگرایی آنان، همین امید اندک به برقراری رابطه خالص و یگانه با مراقب یا معشوق خود را نیز از دست می‌دهند و امید آنان به ناامیدی تبدیل می‌شود. بنابراین با افزایش امید در افراد دوسوگرا می‌توان به آنان کمک کرد تا بر تعارض درون - روانی در زمینه برقراری ارتباط با افراد مهم زندگی خود چیره شوند و رابطه سالمی را با آنان برقرار سازند.

به علاوه، نتایج این پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی با هیچ یک از حوزه‌های امیدواری رابطه معناداری ندارد. این یافته برخلاف یافته‌های پیشین (شوری، اشنایدر، یانگ و لوین، ۲۰۰۳) است که نشان می‌دهد سبک دلبستگی اجتنابی با امیدواری رابطه منفی معناداری دارد. برای تبیین این مسأله که چرا در مطالعه دلبستگی اجتنابی با حوزه‌های خاص امیدواری رابطه معناداری را نشان نداد، می‌توان این‌گونه تبیین کرد که به احتمال زیاد دلبستگی اجتنابی با امیدواری در شکل کلی آن رابطه داشته باشد، ولی وقتی امیدواری به حوزه خاص محدود شود شاید این رابطه نیز خود را نشان ندهد. همچنین با توجه به پژوهش رینگر، باچانان، اولسیک و لیساکر (۲۰۱۴) که نشان دادند دلبستگی اجتنابی با ناامیدی رابطه معناداری دارد، می‌توان انتظار داشت که سبک دلبستگی اجتنابی با ناامیدی رابطه معنادار و مستحکم‌تری داشته باشد تا با امیدواری. به هر حال، این مسأله‌ای است که باید در تحقیقات آینده مشخص گردد.

اشنایدر و همکاران (۲۰۰۰) ادعا دارند که امید در درمان و مداخلات شناختی - رفتاری نقش موفقیت‌آمیزی دارد. آنان بیان می‌کنند که مداخلات رفتاری - شناختی به‌طور مناسبی به وجود آورنده امید برای مراجعان در روان‌درمانی است، چرا که بر ایجاد راهبرد و اصلاح باورهای منفی با توجه به دستیابی به هدف تأکید دارد. همچنین، گزاره‌های نظری و پژوهش‌های پیشین امید را به‌عنوان بخش مهمی از فرایند روان‌درمانی تأیید کرده‌اند (تالمادگ، ۲۰۰۲). با وجود نقش مثبت غیر قابل انکار امید در روان‌درمانی، پژوهشگران و به‌ویژه روان‌درمانگران باید

## منابع

- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Hiester, M., Nordstrom, A., & Swenson, L.M. (2009). Stability and change in parental attachment and adjustment outcomes during the first semester transition to college life. *Journal of College Student Development*, 50(5), 521-538.
- Homan, H.A. (2011). Structural Equation Modeling with application lisrel. Tehran: Samt. (Persian) longitudinal study. *Journal of Research in Personality*, 41, 1161-1178.
- Kwon, P. (2002). Hope, defense mechanisms, and adjustment: Implications for false hope and defensive hopelessness. *Journal of Personality* 70(2), 207-231.
- McWilliams, L.A., & Bailey, S.J. (2010). Associations between adult attachment ratings and health conditions: Evidence from the national comorbidity survey replication. *Health Psychology*, 29(4), 446-453.
- Mikulincer, M., Florian, V., & Tolmacz, R. (1990). Attachment styles and fear of personal death: A case study of affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(2), 273-280.
- Muris, P., Meesters, C., Melick, M.V., & Zwambag, L. (2001). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 30, 809-818.
- Ringer, J.M., Buchanan, E.E., Olesek, K. & Lysaker, P.H. (2014). Anxious and avoidant attachment styles and indicators of recovery in schizophrenia: Associations with self-esteem and hope. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 87(2): 209-221. doi: 10.1111/papt.12012. Epub 2013 Aug 5.
- Schmidt, S.D., Blank, T.O., Bellizzi, K.M., & Park, C.L. (2012). The relationship of coping strategies, social support, and attachment style with posttraumatic growth in cancer survivors. *Journal Health Psychology*, 17(7), 1033-1040. doi: 10.1177/1359105311429203.
- Shorey, H. S., Snyder, C. R., Yang, X., & Lewin, M. R. (2003). The role of hope as a mediator in recollected parenting, adult attachment, and mental health. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 22(6), 685-715. doi: 10.1521/jscp.22.6.685.22938.
- احمدی طهورسلطانی، م.، کرمی‌نیا، ر.، احدی، ح.، مرادی، ع. (۱۳۸۹). «اعتباریابی مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص در دانشجویان ایرانی». *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۶، ۲۵-۳۴.
- بالی، ج. (۱۳۵۹). *روان‌شناسی کودک*. ترجمه حسین تقفیان، تهران: عارف، چاپ اول. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- خوانین‌زاده، م. (۱۳۸۳). *مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- هومن، ح.ع. (۱۳۹۰). *مدل معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: سمت.
- Ainsworth, M.D.S., Blehar, M.C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ciarrochi, J., Heaven, P.C.L., & Davies, F. (2007). The impact of hope, self-esteem, and attributional style on adolescents' school grades and emotional well-being: A.
- Eun Jin, O., Se Young, L., & Kyung Mi, S. (2013). Interpersonal relations, hope, professional self-concept and turnover intention according to adult attachment styles in early stage nurses. *Journal of Korean Academy of Nursing Administration*, 19(4), 491-500. doi:org/10.1111/jkana.2013.19.4.491.
- Fagundes, C.P., Jaremka, L.M., Malarkey, W.B. & Kiecolt-Glaser, J.K. (2014). Attachment style and respiratory sinus arrhythmia predict post-treatment quality of life in breast cancer survivors. *Psycho-Oncology*, 23(7), 820-826.
- Gauthier, L.R., Gary, R., Zimmermann, C., Warr, D., Librach, S.L., Malcolm Moore, M., Frances A. Shepherd, F.A., & Gagliese, L. (2012). The communal coping model and cancer pain: The roles of catastrophizing and attachment style. *The Journal of Pain*, 13(12), 1258-1268.
- Geiger, K.A., & Kwon, P. (2010). Rumination and depressive symptoms: Evidence for the moderating role of hope. *Personality and Individual Differences*, 49, 391-395.
- Haddadi Koohsar, A.A., & Ghobary Bonab, B. (2011). Relation among quality of attachment, anxiety and depression in college students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 212 - 215.



- Simmons, B.L., Gooty, J., Nelson, D.L. & Little, L.M. (2009). Secure attachment: implications for hope, trust, burnout, and performance. *Journal of Organizational Behavior, 30*(2), 233–247. doi: 10.1002/job.585.
- Snyder, C. R. (2002). Hope theory: Rainbows in the mind. *Psychological Inquiry, 13*(4), 249-275.
- Snyder, C.R. Haridi, S.S., Cheavens, J., Michael, S.T., Yamhure, L., & Sympson, S. (2000). The role of hope in cognitive-behavior therapies. *Cognitive Therapy and Research, 24*(6), 747–762.
- Snyder, C.R., & Lopez, S. (2002). *Handbook of positive psychology*. New York: Oxford University Press.
- Snyder, C.R., Feldman, D.B., Shorey, H.S., & Rand, K.L. (2002). Hopeful choices: A school counselor's guide to hope theory. *Professional School Counseling, 5*(5), 298-307.
- Sympson, S. (1999). *Validation of the domain specific hope scale: Exploring hope in life domains*. Doctoral Dissertation. University of Kansas: Lawrence.
- Talmadge, W.T. (2002). *Exploring the hope construct in psychotherapy*. Doctoral Dissertation. University of Georgia.
- Valle, M.F., Huebner, E.S., & Suldo, S.M. (2006). An analysis of hope as a psychological strength. *Journal of School Psychology, 44*, 393–406.
- Welch, R.D., & Houser, M.E. (2010). Extending the four-category model of adult attachment: An interpersonal model of friendship attachment. *Journal of Social and Personal Relationships, 27*(3), 351-366.
- Wong, S.S., & Lim, T. (2009). Hope versus optimism in Singaporean adolescents: Contributions to depression and life satisfaction. *Personality and Individual Differences, 46*, 648–652.
- Yilmaz Özpolat, A. G., Ayaz, T., Konag, Ö., & Özkan, A. (2014). Attachment style and perceived social support as predictors of biopsychosocial adjustment to cancer. *Turkish Journal of Medical Sciences, 44*(1), 24-30.